

# چلو صاف میکند سینه

درختها را به واسکت مبتلا کردی  
تغافل را به سُرخِی ها طلا کردی  
عروسان را به تاراج آشنا کردی  
مُسلمان را به گنگا مقتدا کردی

عزیز آباد می غلتد  
عزیز آباد می غلتد  
پچیراگام می غلتد  
پچیراگام می غلتد

آیساف ، چلو صاف میکند سینه

آنک ناف ، چین را از چپق ها میدهد پینه

ناتو ؛ به مقتل میزند از کیسهٔ نعش با کمان خینه

وماهتاب هم به زیر پای شیطان مینهد شانه و از لنگهای انسان میبرد زینه

هزار سر می پرد گُل می کند بر موج گردن خنده در گلدان سرمایه



زبان ؛ ذبح هلالین گشته برخوردارشید و بر تعویق  
دهان ؛ دخل دیاگول گشته از تزریق  
فغان ؛ خرچینه تشویق  
به ماهیان جوی شیر  
به گلهای ابریشم  
به چشمهای ابری  
به غوره های مخفی درسپیده دم  
اخبارسُرناها و تلویزیون های انتحاری را ممنوع کنید  
اگراز واژه ی ممنوعه میترسی  
بیا پُت پُت  
بیا کم کم  
درختان را به آیین شناختن مبتلا سازیم ؛  
و ...

اگست 2008